

مهندس نورالله باستانی

گرنیم مردان رهرا هیچکس

ذکر ایشان می‌کنم - اینم نه بس؟
سهم من زان رفتگان دردی رسد*
که بسودی زبان ادب را امیر
فرو ریخت اشکی بدربگاه رب
که گشتند غرقاب دریای غم
بشد کوه دانش نهان زیر خاک
چراغ ره هوشمندان بدی

گرنیم مردان رهرا هیچکس
آخر زان رهروان گردی رسد
برفت از جهان پیر روشن ضمیر
سیه پوش شد آسمان ادب
ز چشمان ارباب صاحب قلم
سپردند چون جسم پاکش به خاک
دوای دل دردم‌نдан بستی

* از دکتر مرتضی سرافراز علیه‌الرحمه

که دائم بر او باد ما را درود
نه در ظاهر حال بل از درون
به درک مفاهیم وسوس داشت
شوی نیک روشن توبا ماجرا
که برگرد خورشید او بد روان
توان و تکلم ز شویش زدود
سدهماهی و شد راهی ملک جان
مهی گشت پنهان و شب تار شد
سپارند او را در آغوش خاک
نمودند آنسان که بودش مقام
عزیزیکه بر او بدی بیقرار
زقدانشان گشت دلها پریش
ز دانش پژوهان ارزنده است
که یاد نکویان بود پایدار

شدی مست صهیای شعر و سرود
تواضع و را بود از حد فزون
دلی پر ز شور و ز احساس داشت
ز احساس او گر بگویم تو را
بدش زوجهای همچو ماه نهان
قضای الهی چو او را ریبود
نمودش میریض و بسی ناتوان
ز فوت ش جهانی عزادار شد
چو بردنند تبریز آن نعش پاک
به تشییع و تجلیل او خاص و عام
بشد خاک آنجا که بد شهریار
به پیوست عاشق بمعشوق خویش
نه گریم بر او چونکه او زنده است
بود نام او باقی و برقرار

روانش شاد

«محرم» که بیاد اوست معموم
از یاد رخش مباد محروم
با عرض تسلیت به پیشگاه جناب آقای غلامرضا روشن ضمیر برادر
و خواهران آن بزرگوار و جناب آقای دکتر محمدعلی روشن ضمیر استاد
دانشگاه صنعتی شریف فرزند گرانقدر آن والامقام و سایر آحاد خاندان محترم و
کلیه دوستان و ارادتمندان، اساتید و شخصیتهای معززیکه افتخار دانشجوئی آن
را دمدم بزرگ را داشتند.